

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: عثمان حیدری

۰۵ مارچ ۲۰۱۸

زن معدن کار*



من زنی معدن زادم
روي کپه ای زغال به دنیا آمدم
بند نافم را با تیشه بریدند
توی خاکه ها و نخاله ها لولیدم
با پتک و مته و دیلم، بازی کردم
و با انفجار و دینامیت بزرگ شدم
مردی از تبار معدنکاران جفتم شد
کودکی از جنس معدن زائیادم
سي سال آژگار زغال شوئی کردم
و زخم معدن
تنها پس اندازی ستکه دارم

من زنی معدن زادم
پدرم زیر آواری مدفون شد

مادرم، توی غربالش خون بالا آورد
خواهرم را چرخهای واگنی له کرد
برادرم از نقاله پرت شد
و شوهرم را سم زغال، خانه نشین کرد
يك عمر لقمه لقمه از گلویم زدم
و پشیز پشیز پس اندوختم
تا شاید یکتا پسر
وقتی بزرگ شد، کاره ای شود
اما حالا، يك هفته است که او،
هر کله سحر، شن کش به دوش می گیرد،
و پابه پای همسالان
در جست وجوی کار،
راه "دهانه شیطان" را امینوار می رود
و غمگین می آید
این کوله بار فقر تنها میراثیست که به او رسید

من زنی معدن زادم
با باروت و دینامیت بزرگ شدم
لهجه های سکوت را می فهمم
رگه های عصیان را می شناسم
خوب می دانم
انفجاری در پیش است
بگذار موسمش برسد
وقتی که زمزمه ها فریادی شد،
خواهی دید که چگونه از
گیس هایم صدها فتیله می سازم
و از قلبم چخماق

من زنی معدن زادم
گهواره ام، کوچه ام، کشورم
معدن بود و بی شک گورم...

*- از ترانه های محلی معدنکاران بولیوی